

بررسی و مقایسه عملکرد حرفه‌ای معلمان فارغ‌التحصیل رشته آموزش ابتدایی از دانشگاه فرهنگیان دارای دیپلم تجربی و ریاضی با دارندگان دیپلم علوم انسانی

سیده صغری موسوی^۱، فاطمه کبیری^۲، سولماز فرج‌زاده^۳

دریافت: ۱۴۰۰/۱/۲۴

پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۲

چکیده

جامعه آماری این پژوهش علمی-مقایسه‌ای شامل تمامی معلمان فارغ‌التحصیل رشته آموزش ابتدایی از دانشگاه فرهنگیان دارای دیپلم تجربی و ریاضی و علوم انسانی در شهر شیراز در سال تحصیلی ۹۸-۹۹ می‌باشد. برای تعیین حجم نمونه، بر اساس فرمول کوکران تعداد ۲۳۶ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند و پس از توزیع پرسش‌نامه، در نهایت ۲۰۰ پرسش‌نامه معتبر در دو گروه (دارای دیپلم تجربی و ریاضی و دیپلم علوم انسانی) جمع‌آوری گردید. ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه عملکرد حرفه‌ای پاترسون (۱۹۹۰) بود. داده‌های گردآوری شده در دو سطح، مورد تجزیه و تحلیل (آمار توصیفی و آمار استنباطی) قرار گرفت. در سطح آمار از میانگین و انحراف معیار و در سطح آمار استنباطی از آزمون تی تست (t-test) گروه‌های مستقل استفاده شد. نتایج نشان داد که بین عملکرد حرفه‌ای معلمان فارغ‌التحصیل رشته آموزش ابتدایی از دانشگاه فرهنگیان دارای دیپلم تجربی و ریاضی با دارندگان دیپلم علوم انسانی تفاوت معناداری وجود دارد. بین تمامی ابعاد عملکرد حرفه‌ای (رعایت نظم و انضباط، احساس مسئولیت در کار، همکاری در کار و بهبود کار) فارغ‌التحصیل دارای دیپلم انسانی و فارغ‌التحصیل دارای دیپلم تجربی و ریاضی تفاوت معنی‌داری وجود دارد و میانگین تمامی ابعاد عملکرد حرفه‌ای فارغ‌التحصیل دارای دیپلم تجربی و ریاضی نسبت به فارغ‌التحصیل دارای دیپلم انسانی پایین‌تر است.

کلید واژه‌ها: عملکرد حرفه‌ای، معلمان فارغ‌التحصیل، آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه مدیریت کسب و کار، مؤسسه آموزش عالی آپادانا، شیراز، ایران، نویسنده مسئول، s.musavi.2022@gmail.com
۲. استادیار گروه مدیریت بازرگانی، مؤسسه آموزش عالی آپادانا، شیراز، ایران.
۳. استادیار گروه مدیریت بازرگانی، مؤسسه آموزش عالی آپادانا، شیراز، ایران.

مقدمه

در هزاره سوم حرکت به سوی آموزش و پرورش پوینده تر و جوینده تر، زمانی جلوه می کند که تصویر مهارتی معلمان شفاف تر و روشن تر باشد. در واقع سعادت واقعی جوامع نیازمند توجه بیشتر به تربیت معلمانی با شایستگی حرفه‌ای و اعتماد به نفس بالا است؛ به گونه‌ای که افراد آماده شده برای این حرفه به عنوان معلم، توانایی تحقق اهداف مورد نظر آموزش و پرورش و پاسخ دادن به نیازها و ضرورت‌های امروزی جامعه را داشته باشند (رئوف، ۱۳۸۹).

الیو^۱ (۲۰۰۰) بر این باور است که اگر نظام آموزش و پرورش جوامع را حذف کنیم، باید شاهد یک جامعه ایستا و خالی از رشد و بالندگی باشیم. به طوری که با شیوع هرج و مرج، همه چیز نابود خواهد شد. بر این اساس، اهمیت نظام آموزش و پرورش برای تمامی اندیشمندان و مردم عادی بدیهی است. زیربنای توسعه هر کشوری از طریق آموزش و پرورش آن کشور نهاده می شود که ستون‌های اصلی آن را باید در آموزش ابتدایی جست‌وجو کرد. این اهمیت به اندازه‌ای است که بی‌توجهی به آن، آثار زیانباری را در ابعاد مختلف بر پیکره پیشرفت و تعالی هر سرزمینی بر جای می‌گذارد. از سوی دیگر، کودکی، نخستین و مهم‌ترین دوره زندگی آدمی است. از آنجا که در این دوره ساختار شخصیتی و رفتاری انسان بنیان گذاشته می‌شود، دوران کودکی را دورانی سرنوشت‌ساز و مثبت دانسته‌اند. تجربه‌های اولیه زندگی در خانواده سپری می‌شود و پس از آن پیش‌دبستانی و دبستان به‌عنوان یک فضای بیرونی مؤثر در تربیت کودکان نمود می‌یابد و باید تجارب زندگی در خانواده را یا اصلاح و یا تقویت کند. در هر صورت این تجارب اولیه در مدرسه که تجارب اولیه یادگیری و تربیت‌شدن نیز خواهند بود، مبنای اساسی تربیت را بنا می‌گذارند و چنانچه درست عمل نشود، بقیه مراحل زندگی نیز به آن سوی جهت می‌یابند و به‌طور کلی آینده هر کشوری را به این صورت رقم خواهد زد (تریانی، ساهرمن و نوریهسان، ۲۰۲۰).

متیولیمن (۲۰۰۰) در تجربیات آموزشی خود متوجه شد که فراگیران دوره‌های تحصیلی بالاتر که فاقد قدرت استدلال، قدرت تمیز و داوری هستند، در دوره ابتدایی این مهارت‌ها را نیاموخته‌اند. بستر اصلی این تجربه‌های مقدماتی در دوره ابتدایی، توسط معلمان که گاهی جایگزین پدران و مادران در تعلیم و تربیت می‌شوند، نهاده می‌شود و لذا نقش معلمان این دوره بسیار حایز اهمیت است. تردیدی نیست که امروزه پاسخ‌گویی به چالش‌های علمی، صنعتی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، اخلاقی و نیز دستیابی به توسعه پایدار و دانایی، محور مستلزم تحول بنیادی در آموزش و پرورش است. اگر این را

1. Elive
2. Triani, Suherman & Nurihsan.

بپذیریم که از مجموع نهادها و ساختارهای اجتماعی، نهاد تعلیم و تربیت اولویت و اهمیت بیشتری دارد، این پرسش مطرح می‌شود که در میان عناصر تشکیل دهنده این خرده‌نظام کدام یک اهمیت و تأثیرگذاری بیشتری دارد (گیلیسن، کنپلس و ونونجولینگن^۱، ۲۰۲۰).

بی‌هیچ تردیدی می‌توان گفت که معلمان هر جامعه‌ای، اصلی‌ترین عنصر تأثیرگذار بر پیشرفت و بقا یک جامعه‌اند. به گونه‌ای که عملکرد بهینه آنان می‌تواند تضمین‌کننده‌ی موفقیت یک جامعه باشد. بنابراین به نظر می‌رسد پرداختن به این گروه و سازمان مربوط به آن، به معنای توجه به اصلی‌ترین نیروی درگیر در بقا یک جامعه است. بقاء و تداوم سازمان‌ها و مؤسسات به چگونگی کارایی و اثربخشی عملکرد کارکنان بستگی دارد (تریپوت، بنزویو و امیت^۲، ۲۰۱۸).

منابع تخصصی آموزش و پرورش نظرات بسیاری در مورد تأکید بر محور بودن معلم دارد. آرمان‌هایی مانند حرفه‌گری معلم، توانمندسازی و پژوهشگری معلم محوری‌ترین موضوعات نظام‌های آموزش و پرورش به‌روز هستند. در واقع در آموزش و پرورش به هیچ‌نوآوری نمی‌توان دل بست، مگر آن که پیشاپیش تغییرات کیفی مناسب در معلمان به وقوع پیوسته باشد. اما در این حوزه آسیب‌ها و موانع بازدارنده در ارتباط با انتخاب و جذب معلم، منزلت و مسئولیت‌های معلم وجود دارد. آسیب‌ها و موانعی همچون نداشتن سیاست‌های اصولی برای حفظ، نگهداری و ارتقاء کیفی و شغلی معلمان در آموزش و پرورش، گزینش و جذب نیروهای با بنیه علمی و تخصصی ضعیف، ضعف معلمان در مهارت‌های حرفه‌ای و روش‌های نوین تدریس، پایین بودن سطح علمی و حرفه‌ای در مدیریت و رهبری کلاس درس، برخوردار نبودن از آموزش مداوم و نبود زمینه مناسب برای یادگیری مداوم و تبادل اطلاعات و تجربیات با همکاران، مقاومت در مقابل روش‌های نوین آموزشی ناشی از برخوردار نبودن از آموزش‌های لازم صلاحیت معلم به توانایی معلم در برآوردن نیازها و مطالبات حرفه تدریس، به طوری که این مجموعه مباحث در عملکرد معلم بازتاب و تجلی می‌یابد (کیانی، ۱۳۹۵).

یکی از نهادهایی که وظیفه تربیت دبیران آینده آموزش پرورش را برعهده دارد، دانشگاه فرهنگیان است که در سال‌های اخیر با مسائل و چالش‌هایی مانند انتظارات مردم از معلم با عملکرد حرفه‌ای و کیفیت بالا، مسأله زیرساختی، نیاز به اعضای هیأت علمی، بودجه و... روبرو بوده که نیاز به تغییر و بهبود کیفیت آن به‌ویژه در حوزه‌ی تدریس و آموزش به خوبی احساس می‌شود. با وجود این، دانشگاه فرهنگیان و نظام آموزشی زمانی با کیفیت شناخته می‌شود که بدون هر گونه کاستی باشد؛ چرا که این

1. Gilissen, Knippels & van Joolingen

2. Tripto, Ben-Zvi & Amit

کاستی‌ها به منزله‌ی نواقص و عیوب آن است و نتیجه مطلوب به عنوان برونداد یا پیامد از آن نظام حاصل نخواهد شد (طبرسا و همکاران، ۱۳۹۱).

موفقیت هر نظام آموزشی در درجه اول به میزان موفقیت معلمان آن نظام بستگی دارد و موفقیت معلمان نیز به میزان برخورداری از مهارت‌های حرفه‌ای وابسته است. لذا حرفه‌ای شدن معلمان در سطح جهانی به این دلیل که عامل بالقوه برای بهبود آموزش مدرسه و تقویت توانایی‌های مدارس برای یادگیری سازمانی محسوب می‌شود، حائز اهمیت است (بین و ژانگ^۱، ۲۰۱۸).

معلمان مؤثرترین عامل در مدرسه به حساب می‌آیند. اگر آموزش و پرورش قصد دارد در آینده متحول شود باید کانون توجه خود را بر استعدادهای منحصر به فرد یکایک معلمان در راه درست تبدیل این استعدادها به عملکرد پاینده معطوف سازد. عملکرد، پیامدی از تأثیر متقابل توانایی و انگیزش است. توانایی و انگیزش می‌تواند به عملکرد منتهی شود، اما موانع سازمانی می‌تواند آنها را مهار کنند. عملکرد حرفه‌ای خوب به توانایی و انگیزه نیاز دارد. بازدارنده‌های سازمانی مانند آموزش ضعیف می‌تواند در عملکرد حرفه‌ای خوب مداخله کنند. عملکرد حرفه‌ای، دو مؤلفه را در بر می‌گیرد؛ مؤلفه اول وظیفه است که نیازمند التزامات شغلی است. مؤلفه دوم عملکرد زمینه‌ای است که کار تیمی و حمایتی را در بر می‌گیرد (حیدری، ۱۳۹۷).

مسئله دیگر این است که حرفه‌ای شدن معلمان محصولی از فعالیت‌های درون و بیرونی است که توسعه شایستگی دانش‌آموزان را به همراه دارد. در تأیید این مطلب لی، هالینگر و واکر^۲ (۲۰۱۶) ادعا می‌کنند حرفه‌ای شدن معلمان به عنوان یکی از ابزارهای تسهیل یادگیری مداوم در میان معلمان به شمار می‌رود و باعث بهبود مدرسه و توسعه شایستگی دانش‌آموزان می‌شود.

حرفه‌ای شدن معلمان می‌تواند به یادگیری حرفه‌ای معلم منجر شود و حرفه‌ای شدن معلمان با مزایای گسترده‌تر از جمله عملکرد مثبت معلم، فرهنگ مدرسه سالم و بهبود مدرسه همراه است. این محبوبیت نیز با تحولات وسیع‌تر در زمینه پیشرفت حرفه‌ای معلمان، از جمله اهمیت یادگیری مادام‌العمر و یادگیری شغلی، در نهایت موجب توسعه شایستگی دانش‌آموزان می‌گردد (هایرون و دیموک^۳، ۲۰۱۲).

نتایج پژوهش نادری و همکاران (۱۳۸۸) تحت عنوان بررسی و مقایسه عملکرد حرفه‌ای معلمان دروس علوم پایه و علوم انسانی در دوره راهنمایی نشان داد که میزان آگاهی معلمان از مهارت‌های

1. Yin, H., & Zheng
2. Li, Hallinger and Walker
3. Hairon & Dimmock

حرفه‌ای در دروس علوم پایه و علوم انسانی متفاوت است. این نتیجه درباره ۴ مؤلفه مهارت‌های حرفه‌ای معلمان نیز به دست آمده است که نتایج جدول آزمون توکی، شفه نشان می‌دهد مؤلفه روش تدریس، بیشترین میزان آگاهی و سپس طراحی آموزشی و ارزشیابی و در آخر تکنولوژی آموزشی کم‌ترین میزان را دارا بوده است.

واحدی کوچنق (۱۳۹۷) در پژوهش خود تحت عنوان بررسی صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان، فارغ‌التحصیلان دانشگاه فرهنگیان، تربیت معلم سابق و سایر دانشگاه‌ها نشان داد که صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان سه گروه با هم تفاوت دارد. از نظر صلاحیت شناختی، فارغ‌التحصیلان دانشگاه فرهنگیان وضعیت بالاتری در مقایسه با دو گروه دیگر دارند. فارغ‌التحصیلان مراکز تربیت معلم نیز تفاوت معنی‌داری با فارغ‌التحصیلان سایر دانشگاه‌ها دارند.

نتایج پژوهش محمدپور و همکاران (۱۳۹۷) نشان داد که تفاوت بین عملکرد معلمان دانش‌آموخته از دانشگاه فرهنگیان و سایر معلمان در دو آزمون موضوعی علوم و ریاضی از لحاظ آماری، معنی‌دار بود و در هر دو مورد، تفاوت به نفع دانش‌آموختگان از دانشگاه فرهنگیان بود. بنابراین اگر آموزش و پرورش می‌خواهد متحول شود، دست‌اندرکاران امر تعلیم و تربیت، به خصوص معلمانی که تعامل گسترده‌ای با فراگیران دارند، باید متحول شوند. همچنین دانش و اطلاعات، شناخت‌ها، نگرش‌ها، مهارت‌ها و روش‌های کار آنها باید تغییر کند. لازمه این کار، حرفه‌ای شدن تعلیم و تربیت و در سرلوحه آن، حرفه‌ای شدن تمام معلمان است.

به‌طور کلی اهمیت نظری پژوهش حاضر از این جهت خواهد بود که چون در حوزه تعلیم و تربیت است، می‌تواند دانشی به دانش‌های موجود در حوزه تحقیقات آموزش و پرورش بیفزاید. همچنین انجام این پژوهش می‌تواند به نظریه‌پردازی در این رشته کمک کند. بنابراین به‌طور کلی اهمیت تحقیق حاضر کمک به افزایش یافته‌ها در حوزه تعلیم و تربیت است. نتایج پژوهش حاضر می‌تواند به محققان، مسئولان آموزش و پرورش و به‌ویژه مسئولان دانشگاه فرهنگیان، همچنین افرادی که به دنبال ارتقاء کیفیت آموزشی هستند، کمک کند.

با توجه به مباحث مطرح‌شده، مسأله اصلی پژوهش به این نحو قابل استنباط است: آیا بین عملکرد حرفه‌ای معلمان فارغ‌التحصیل رشته آموزش ابتدایی از دانشگاه فرهنگیان دارای دیپلم تجربی و ریاضی با دارندگان دیپلم علوم انسانی تفاوت معناداری وجود دارد؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر از حیث هدف، جزو پژوهش‌های کاربردی است. همچنین از حیث ماهیت و روش، جزء تحقیقات غیرآزمایشی و علی-مقایسه‌ای به شمار می‌رود. به علاوه به دلیل این که در فاصله زمانی معین، انجام شده، در دایره پژوهش‌های مقطعی محسوب می‌شود. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی معلمان فارغ‌التحصیل رشته آموزش ابتدایی از دانشگاه فرهنگیان دارای دیپلم تجربی و ریاضی و علوم انسانی در شهر شیراز در سال تحصیلی ۹۸-۹۹ می‌باشند. در مرحله اول طی آمار کسب‌شده، تعداد کل معلمان فارغ‌التحصیل رشته آموزش ابتدایی از دانشگاه فرهنگیان دارای دیپلم تجربی و ریاضی و علوم انسانی در شیراز حدود ۶۱۵ نفر اعلام شد. با توجه به این که در صدر هر مطالعه یا تحقیقی تعیین حجم نمونه لازم و ضروری به نظر می‌رسد، بدین منظور برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد و حجم نمونه ۲۳۶ نفر تعیین گردید. برای انتخاب افراد نمونه از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شد. از آنجا که این احتمال داده می‌شد که تمام پرسش‌نامه‌های ارسالی عودت نگرند، پرسش‌نامه‌ها به تعداد بیشتر از میزان حجم نمونه بین معلمان توزیع شد که از تعداد پرسش‌نامه ارسالی که تعداد آنها بالای ۲۳۶ پرسش‌نامه بود، ۲۲۰ پرسش‌نامه بازپس داده شد که تعداد ۲۰ عدد از آنها مخدوش بود و در نهایت ۲۰۰ پرسش‌نامه معتبر در دو گروه (۱۰۰ نفر دارای دیپلم تجربی و ریاضی و ۱۰۰ نفر دارای دیپلم علوم انسانی) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

در این پژوهش برای جمع‌آوری داده‌ها از ابزار پرسش‌نامه استفاده شد. برای سنجش عملکرد حرفه‌ای از پرسش‌نامه عملکرد پاترسون (۱۹۹۰) که توسط شکرکن و ارشدی (۱۳۸۶) ترجمه شده است، استفاده گردید. این پرسش‌نامه دربرگیرنده ۱۵ گویه است و ۴ بعد رعایت نظم و انضباط در کار، احساس مسئولیت در کار، همکاری در کار و بهبود کار را در بر می‌گیرد. هر سؤال از یک مقیاس چهار درجه‌ای همیشه (۴)، اغلب (۳)، گهگاهی (۲)، به ندرت (۱) تشکیل شده است. حداکثر نمره در این پرسش‌نامه ۶۰ و حداقل نمره ۱۵ می‌باشد.

در بررسی روایی، از روایی صوری استفاده شد. برای این منظور، روایی صوری پرسش‌نامه پژوهش حاضر، توسط استاد متخصص مورد تأیید قرار گرفت. منظری و شکرکن (۱۳۷۵) ضریب پایایی این پرسش‌نامه را در نمونه دبیران مدارس پسرانه شهرستان اهواز با استفاده از فرمول اسپیرمن-براون و روش تنصیف زوج-فرد معادل ۰/۸۴ گزارش داده‌اند. امینی و نوری (۱۳۷۵) در نمونه ۸۸ نفری کارکنان تصفیه‌خانه اصفهان ضریب پایایی این پرسش‌نامه را با روش آلفای کرونباخ ۰/۷۰ و با روش تنصیف زوج-فرد معادل ۰/۵۸ گزارش داده‌اند. سیاحی و شکرکن (۱۳۷۵) ضریب پایایی این پرسش‌نامه را در نمونه کارکنان

شرکت فولاد خوزستان با روش آلفای کرونباخ /۸۵ و با روش تنصیف /۸۵، گزارش کرده‌اند. خوشکام، نیسی و شکرکن (۱۳۸۶) با به‌کارگیری آزمون مذکور در نمونه کارکنان سازمان آب و برق اهواز پایایی و روایی این پرسش‌نامه را از دو روش آلفای کرونباخ و تنصیف /۸۲ و /۸۰، گزارش کرده‌اند و ضریب روایی را نیز از طریق همبسته کردن آزمون با نمره ۱ سؤالی کلی و ۱۵ درجه‌ای محاسبه و /۴۳، گزارش کرده‌اند. کردلی (۱۳۸۸) در نمونه‌ی کارکنان شرکت شیر پاستوریزه پگاه خوزستان ضریب پایایی این پرسش‌نامه را از روش آلفای کرونباخ به دست آورد که برابر با /۸۹ بود (برزگر و محمدی، ۱۳۹۳: ۶).

همچنین نعیمی (۱۳۸۱) نمره‌های پرسش‌نامه خودارزشیابی عملکرد را با نمره‌های حاصل از پرسش‌نامه شایستگی و عملکرد گزارش درجه‌بندی کارکنان همبسته نمود که ضرایب اعتبار به ترتیب /۴۳ و /۳۶ به دست آمده که در سطح ($p < 0/001$) معنی‌دار می‌باشند (نعیمی، ۱۳۸۱) به نقل از فرهنگ مجلد، (۱۳۸۸). جهت اطمینان نیز در این پژوهش میزان پایایی این پرسش‌نامه برای نمره کلی از طریق شیوه آلفای کرونباخ محاسبه و میزان آن /۹۱ به دست آمد. پایایی پرسش‌نامه توسط آلفای کرونباخ مورد تأیید قرار گرفت که نتایج آن در جدول مربوطه آمده است. ضرایب حاصله برای ابعاد رعایت نظم و انضباط در کار، احساس مسئولیت در کار، همکاری در کار و بهبود کار به ترتیب /۸۵، /۹۱، /۸۹، /۸۷ محاسبه شده است.

داده‌های گردآوری شده در دو سطح مورد تجزیه و تحلیل (آمار توصیفی و آمار استنباطی) قرار گرفت. در سطح آمار توصیفی از میانگین و انحراف معیار و در سطح آمار استنباطی در صورت نرمال شدن داده‌ها از روش آزمون تی تست (t-test) گروه‌های مستقل استفاده شد. نرم‌افزار مورد استفاده SPSS نسخه ۲۱ بود.

یافته‌ها

با توجه به جدول شماره ۱ می‌توان متوجه شد که سطوح معناداری از مقدار قابل قبول ($0/05$) بیشتر است؛ لذا آزمون‌های نرمالیتی این متغیر معنادار نیست. بنابراین فرضیه نرمال بودن تأیید می‌شود. ($P\text{-Value} > 0/05$). بنابراین برای تجزیه و تحلیل فرضیه‌ها از آزمون پارامتری استفاده می‌شود. **فرضیه اصلی:** بین عملکرد حرفه‌ای معلمان فارغ‌التحصیل رشته آموزش ابتدایی از دانشگاه فرهنگیان دارای دیپلم تجربی و ریاضی با دارندگان دیپلم علوم انسانی تفاوت معناداری وجود دارد. برای تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده در این فرضیه، از آزمون تی تست گروه‌های مستقل استفاده می‌شود.

جدول ۱. بررسی نرمال بودن متغیر پژوهش و ابعاد آن

آزمون کولموگروف-اسمیرنوف			متغیر
سطح معناداری	آماره	تعداد	
۰/۸	۰/۶۰۲	۲۰۰	عملکرد حرفه‌ای کلی
۰/۰۷	۱/۲۹	۲۰۰	رعایت نظم و انضباط در کار
۰/۲	۱/۰۱	۲۰۰	احساس مسئولیت در کار
۰/۲	۱/۰۲	۲۰۰	همکاری در کار
۰/۰۷	۱/۲۸	۲۰۰	بهبود کار

جدول ۲. بررسی تفاوت نمرات عملکرد حرفه‌ای فارغ‌التحصیل رشته آموزش ابتدایی از دانشگاه فرهنگیان دارای دیپلم تجربی و ریاضی با دارندگان دیپلم علوم انسانی

گروه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	t	درجه آزادی	سطح معناداری
دیپلمه‌های انسانی	۱۰۰	۴۷/۳۶	۵/۷	۱۴/۰۲	۹۸	۰/۰۰۰۱
دیپلمه‌های تجربی و ریاضی	۱۰۰	۳۴/۶۰	۷/۰۲			

با توجه به جدول شماره ۲ و مشاهده سطح معناداری می‌توان متوجه شد که مقدار T برابر با (۹/۷) در سطح (۰/۰۰۰۱) به دست آمده است و از آنجا که این سطح کمتر از سطح قابل قبول (۰/۰۵) است، این مقدار معنادار شده است ($p < ۰/۰۱$) و این بدین معنی است که بین عملکرد حرفه‌ای معلمان فارغ‌التحصیل رشته آموزش ابتدایی از دانشگاه فرهنگیان دارای دیپلم تجربی و ریاضی با دارندگان دیپلم علوم انسانی تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی اول: بین بُعد رعایت نظم و انضباط در کار معلمان فارغ‌التحصیل رشته آموزش ابتدایی از دانشگاه فرهنگیان دارای دیپلم تجربی و ریاضی با دارندگان دیپلم علوم انسانی تفاوت معناداری وجود دارد. برای تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده در این فرضیه، از آزمون تی تست گروه‌های مستقل استفاده می‌شود.

جدول ۳. بررسی تفاوت نمرات بُعد رعایت نظم و انضباط در کار فارغ‌التحصیل رشته آموزش ابتدایی از دانشگاه فرهنگیان دارای دیپلم تجربی و ریاضی با دارندگان دیپلم علوم انسانی

متغیر	نوع دیپلم	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	t	درجه آزادی	سطح معناداری
رعایت نظم و انضباط در کار	انسانی	۱۰۰	۹/۷۲	۱/۷	۴/۱	۱۹۸	۰/۰۰۰۱
	تجربی و ریاضی	۱۰۰	۸/۵۴	۲/۲			

با توجه به جدول شماره ۳ و مشاهده سطح معناداری می‌توان متوجه شد که مقدار t برابر با ۴/۱ در سطح (۰/۰۰۰۱) به دست آمده است و از آنجا که این سطح کمتر از سطح قابل قبول (۰/۰۵) است، این مقدار معنادار شده است ($p < 0/01$) و بدین معنی است که بین بُعد رعایت نظم و انضباط در کار معلمان فارغ‌التحصیل رشته آموزش ابتدایی از دانشگاه فرهنگیان دارای دیپلم تجربی و ریاضی با دارندگان دیپلم علوم انسانی تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی دوم: بین بُعد احساس مسئولیت در کار معلمان فارغ‌التحصیل رشته آموزش ابتدایی از دانشگاه فرهنگیان دارای دیپلم تجربی و ریاضی با دارندگان دیپلم علوم انسانی تفاوت معناداری وجود دارد. برای تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده در این فرضیه، از آزمون تی تست گروه‌های مستقل استفاده می‌شود.

جدول ۴. بررسی تفاوت نمرات بُعد احساس مسئولیت در کار فارغ‌التحصیل رشته آموزش ابتدایی از دانشگاه فرهنگیان دارای دیپلم تجربی و ریاضی با دارندگان دیپلم علوم انسانی

متغیر	نوع دیپلم	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	t	درجه آزادی	سطح معناداری
احساس مسئولیت در کار	انسانی	۱۰۰	۱۲/۶۲	۲/۴	۷/۴	۱۹۸	۰/۰۰۰۱
	تجربی و ریاضی	۱۰۰	۹/۶۸	۳/۱			

با توجه به جدول شماره ۴ و مشاهده سطح معناداری می‌توان متوجه شد که مقدار t برابر با $۷/۴$ در سطح ($۰/۰۰۰۱$) به دست آمده است و از آنجا که این سطح کمتر از سطح قابل قبول ($۰/۰۵$) است، این مقدار معنادار شده ($p < ۰/۰۱$) و بدین معنی است که بین بُعد احساس مسئولیت در کار معلمان فارغ‌التحصیل رشته آموزش ابتدایی از دانشگاه فرهنگیان دارای دیپلم تجربی و ریاضی با دارندگان دیپلم علوم انسانی تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی سوم: بین بُعد همکاری در کار معلمان فارغ‌التحصیل رشته آموزش ابتدایی از دانشگاه فرهنگیان دارای دیپلم تجربی و ریاضی با دارندگان دیپلم علوم انسانی تفاوت معناداری وجود دارد. برای تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده در این فرضیه، از آزمون تی تست گروه‌های مستقل استفاده می‌شود.

جدول ۵. بررسی تفاوت نمرات بُعد همکاری در کار فارغ‌التحصیل رشته آموزش ابتدایی از دانشگاه فرهنگیان دارای دیپلم تجربی و ریاضی با دارندگان دیپلم علوم انسانی

متغیر	نوع دیپلم	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	t	درجه آزادی	سطح معناداری
همکاری در کار	انسانی	۱۰۰	۱۵/۶۶	۲/۸	۱۳/۷	۱۹۸	۰/۰۰۰۱
	تجربی و ریاضی	۱۰۰	۹/۷۸	۳/۱			

با توجه به جدول فوق و مشاهده سطح معناداری می‌توان متوجه شد که مقدار t برابر با $۱۳/۷$ در سطح ($۰/۰۰۰۱$) به دست آمده است و از آنجا که این سطح کمتر از سطح قابل قبول ($۰/۰۵$) است لذا این مقدار معنادار شده است ($p < ۰/۰۱$)، و این بدین معنی است که بین بُعد همکاری در کار معلمان فارغ‌التحصیل رشته آموزش ابتدایی از دانشگاه فرهنگیان دارای دیپلم تجربی و ریاضی با دارندگان دیپلم علوم انسانی تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی چهارم: بین بُعد بهبود کار معلمان فارغ‌التحصیل رشته آموزش ابتدایی از دانشگاه فرهنگیان دارای دیپلم تجربی و ریاضی با دارندگان دیپلم علوم انسانی تفاوت معناداری وجود دارد. برای تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده در این فرضیه، از آزمون تی تست گروه‌های مستقل استفاده می‌شود.

جدول ۶. بررسی تفاوت نمرات بُعد بهبود کار فارغ‌التحصیل رشته آموزش ابتدایی از دانشگاه فرهنگیان دارای دیپلم تجربی و ریاضی با دارندگان دیپلم علوم انسانی

متغیر	نوع دیپلم	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	t	درجه آزادی	سطح معناداری
بهبود کار	انسانی	۱۰۰	۱۲/۶۴	۲/۲	۱۰/۹	۱۹۸	۰/۰۰۰۱
	تجربی و ریاضی	۱۰۰	۸/۸۲	۲/۶			

با توجه به جدول فوق و مشاهده سطح معناداری می‌توان متوجه شد که مقدار t برابر با ۱۰/۹ در سطح (۰/۰۰۰۱) به دست آمده است و از آنجا که این سطح کمتر از سطح قابل قبول (۰/۰۵) است، این مقدار معنادار شده ($p < ۰/۰۱$) و بدین معنی است که بین بُعد بهبود کار معلمان فارغ‌التحصیل رشته آموزش ابتدایی از دانشگاه فرهنگیان دارای دیپلم تجربی و ریاضی با دارندگان دیپلم علوم انسانی تفاوت معناداری وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر بررسی و مقایسه عملکرد حرفه‌ای معلمان فارغ‌التحصیل رشته آموزش ابتدایی از دانشگاه فرهنگیان دارای دیپلم تجربی و ریاضی با دارندگان دیپلم علوم انسانی بود.

نتایج حاصل از تحلیل از آزمون تی تست این فرضیه، گویای آن است که بین عملکرد حرفه‌ای معلمان فارغ‌التحصیل رشته آموزش ابتدایی از دانشگاه فرهنگیان دارای دیپلم تجربی و ریاضی با دارندگان دیپلم علوم انسانی تفاوت معناداری وجود دارد. بدین معنی که عملکرد حرفه‌ای معلمان فارغ‌التحصیل دیپلمه‌های انسانی در مقایسه با معلمان فارغ‌التحصیل دارای دیپلم تجربی و ریاضی بیشتر است.

در بین پژوهش‌های انجام شده، پژوهشی که با نتایج این پژوهش همخوانی داشته باشد، یافت نشد. در توجیه این فرضیه می‌توان گفت منابع تخصصی آموزش و پرورش نظرات بسیاری در مورد تأکید بر محور بودن معلم دارد. آرمان‌هایی مانند حرفه‌گری معلم، توانمندسازی و پژوهشگری معلم محوری‌ترین موضوعات نظام‌های آموزش و پرورش در حوزه علوم انسانی به‌روز هستند. در واقع در آموزش و پرورش به هیچ‌نواوری نمی‌توان دل بست، مگر آن که پیشاپیش تغییرات کیفی مناسب در معلمان به وقوع پیوسته باشد. اما در این حوزه آسیب‌ها و موانع بازدارنده در ارتباط با انتخاب و جذب معلم و نیز منزلت و مسؤلیت‌های معلم وجود دارد؛ از جمله نداشتن سیاست‌های اصولی برای حفظ، نگهداری و

ارتقاء کیفی و شغلی معلمان در معلمان فارغ‌التحصیل دارای دیپلم تجربی و ریاضی، گزینش و جذب نیروهای با بنیه علمی و تخصصی ضعیف، ضعف معلمان در مهارت‌های حرفه‌ای و روش‌های نوین تدریس، پایین بودن سطح علمی و حرفه‌ای در مدیریت و رهبری کلاس درس، برخوردار نبودن از آموزش مداوم و نبود زمینه مناسب برای یادگیری مداوم و تبادل اطلاعات و تجربیات با همکاران، مقاومت در مقابل روش‌های نوین آموزشی ناشی از برخوردار نبودن از آموزش‌های لازم صلاحیت معلم به توانایی معلم در برآوردن نیازها و مطالبات حرفه تدریس، به‌طوری که این مجموعه مباحث در عملکرد معلم بازتاب و تجلی می‌یابد (کیانی، ۱۳۹۵).

توجه دیگر این که معلمان فارغ‌التحصیل دارای دیپلم تجربی و ریاضی در سال‌های اخیر با مسائل و چالش‌هایی مانند انتظارات مردم از معلم با عملکرد حرفه‌ای و کیفیت بالا، مسأله زیرساختی، نیاز به اعضای هیأت علمی، بودجه و... روبرو بوده‌اند که نیاز به تغییر و بهبود کیفیت آن به‌ویژه در حوزه تدریس و آموزش به خوبی احساس می‌شود. با وجود این، معلمان فارغ‌التحصیل دارای دیپلم تجربی و ریاضی و نظام آموزشی زمانی باکیفیت شناخته می‌شود که بدون هر گونه کاستی باشد؛ چرا که این کاستی‌ها به منزله‌ی نواقص و عیوب آن است و نتیجه مطلوب به عنوان برون‌داد یا پیامد از آن نظام حاصل نخواهد شد (طبرسا و همکاران، ۱۳۹۱). زمانی که معلم مهارت کافی را در حرفه خود داشته باشد، نقش وی از مخابره‌کننده‌ی اطلاعات به یاریگر فراگیری، راهنما و مدرس به دانش‌آموز تغییر می‌یابد. این نقش جدید از اهمیت مقام معلم نمی‌کاهد، بلکه نیازمند کسب دانش‌ها و مهارت‌های جدید است. دانش‌آموز در چنین محیطی، در فرایند یادگیری خود مسئولیت بزرگ‌تری را به عهده می‌گیرد؛ چرا که باید بجوید، بیابد، نتیجه بگیرد و دانسته‌های خود را با دیگران شریک شود.

از سوی دیگر، عملکرد کامگار معلمان و به واقع فارغ‌التحصیلان رشته‌های مختلف تحصیلی متفاوت است، یا این که نوع و خاصیت رشته باعث اختلاف آن می‌شود. متخصصان کنکور و برنامه‌ریزان آموزش از جمله می‌گویند فارغ‌التحصیلان علاقه‌مند به رشته ریاضی فیزیک قدرت درک، فهم و تجزیه و تحلیل بالایی در دروس ریاضی، فیزیک و شیمی داشته و پایه درسی آنها در دروس نامبرده قوی‌تر است. فارغ‌التحصیلان علاقه‌مند به رشته علوم تجربی باید پایه و بنیه علمی قوی در دروس زیست‌شناسی و زمین‌شناسی داشته و به راحتی از پس مسائل ریاضی، فیزیک و شیمی برآید. در این رشته از مباحث اصلی دروس زیست‌شناسی می‌توان به زیست‌شناسی و بهداشت محیط، زیست گیاهی، زیست جانوری، زیست سلولی مولکولی و... اشاره کرد که علاقه و قدرت یادگیری آنها در این مباحث از نکات حائز اهمیت

است. فارغ‌التحصیلان رشته علوم انسانی در این رشته با دروس اصلی از قبیل اقتصاد، تاریخ و جغرافیا، علوم اجتماعی، فلسفه و منطق و روان‌شناسی آشنا می‌شوند و باید افرادی منطقی بوده و نظریاتشان مستند به دلیل و مدرک باشد، باید ظرفیت بالایی داشته باشند تا در بمباران مسائل روزمره گیج نشوند و ارتباط عمیق داشته باشند تا بفهمند که مردم جامعه آنها به چه فکر می‌کنند و نیازهای آنها چیست؟ (صوفی نژاد، ۱۳۹۳). بنابراین علاقمندی‌ها، تبحرها و بالتبع عملکردهای حرفه‌ای فارغ‌التحصیلان این دو گروه با هم متفاوت است.

نتایج حاصل از تحلیل آزمون تی تست گویای آن است که بین بُعد رعایت نظم و انضباط در کار معلمان فارغ‌التحصیل رشته آموزش ابتدایی از دانشگاه فرهنگیان دارای دیپلم تجربی و ریاضی با دارندگان دیپلم علوم انسانی تفاوت معناداری وجود دارد. بدین معنی که مؤلفه‌ی رعایت نظم و انضباط در معلمان فارغ‌التحصیل دیپلم‌های انسانی در مقایسه با معلمان فارغ‌التحصیل رشته دارای دیپلم تجربی و ریاضی بیشتر است.

در بین پژوهش‌های انجام شده، پژوهشی که با نتایج این پژوهش همخوانی داشته باشد، یافت نشد. در تبیین این فرضیه باید گفت که داشتن نظم در واقع یکی از پارامترهای مهم در بهبود بهره‌وری هر شخص است. آراستگی ظاهر، ترتیب انجام کارها، منظم بودن محیط پیرامونی محل کار و منزل، رعایت آداب معاشرت و بسیاری موارد دیگر، نشان‌دهنده وجود یا عدم وجود یک نظم کاری است. در توجیه بالا بودن نظم و انضباط در فارغ‌التحصیلان رشته انسانی می‌توان این تفاوت‌ها را در غالب ویژگی‌های شخصیتی شکل گرفته در دوران تحصیل، سبک‌های یادگیری فارغ‌التحصیلان، محیط و فضای آموزشی و کلاسی بیان کرد.

نتایج حاصل از تحلیل آزمون تی تست گویای آن است که بین بُعد احساس مسئولیت در معلمان فارغ‌التحصیل رشته آموزش ابتدایی از دانشگاه فرهنگیان دارای دیپلم تجربی و ریاضی با دارندگان دیپلم علوم انسانی تفاوت معناداری وجود دارد. بدین معنی که احساس مسئولیت معلمان فارغ‌التحصیل دیپلم‌های انسانی در مقایسه با معلمان فارغ‌التحصیل رشته آموزش ابتدایی از دانشگاه فرهنگیان دارای دیپلم تجربی و ریاضی، بیشتر است. در تبیین این یافته‌ها باید گفت که احساس مسئولیت، بخشی از نگرشی معلمان است که بر مبنای گونه‌های مختلف جامعه‌پذیری در آنها در سطوح متفاوتی قابل مشاهده است.

علت تفاوت بین معلمان فارغ‌التحصیل ریاضی و تجربی با انسانی شاید احساس و ادراک بالا از توانمندسازی معلمان انسانی باشد که بر میزان علاقه‌ی آنها به شغل خویش و انجام صحیح وظایف، دفاع

آنها از سازمان محل خدمت و پابندی آنها به ارزش‌های کار تأثیرگذار است و این تأثیرها موجب افزایش مسئولیت و تعهد به شغل و حرفه می‌شود.

نتایج حاصل از تحلیل آزمون تی تست گویای آن است که بین بُعد همکاری در معلمان فارغ‌التحصیل رشته آموزش ابتدایی از دانشگاه فرهنگیان دارای دیپلم تجربی و ریاضی با دارندگان دیپلم علوم انسانی تفاوت معناداری وجود دارد. بدین معنی که مؤلفه‌ی همکاری معلمان فارغ‌التحصیل دیپلم‌های انسانی در مقایسه با معلمان فارغ‌التحصیل رشته آموزش ابتدایی از دانشگاه فرهنگیان دارای دیپلم تجربی و ریاضی، بیشتر است.

در تبیین این یافته‌ها در مورد بعد همکاری باید گفت که این عامل از عمل و عکس‌العمل باز و حرفه‌ای در بین معلمان حمایت می‌کند. معلمان با این ویژگی به مدرسه خود افتخار کرده و از کار کردن با همکاران خود لذت می‌برند، بیشتر همدردی‌کننده و پذیرنده بوده و قائل به احترام متقابل دو جانبه به شایستگی حرفه‌ای همکاران خود هستند. در توجیه بالا بودن این مؤلفه در معلمان فارغ‌التحصیل رشته انسانی می‌توان علت احتمالی را در بالا بودن، مهارت‌های ارتباطی، تعاملات و مهارت‌های بین‌فردی نسبت به معلمان فارغ‌التحصیل رشته ریاضی و تجربی دانست.

نتایج حاصل از تحلیل آزمون تی تست گویای آن است که بین بُعد بهبود کار در کار معلمان فارغ‌التحصیل رشته آموزش ابتدایی از دانشگاه فرهنگیان دارای دیپلم تجربی و ریاضی با دارندگان دیپلم علوم انسانی تفاوت معناداری وجود دارد. بدین معنی که مؤلفه‌ی بهبود کار معلمان فارغ‌التحصیل دیپلم‌های انسانی در مقایسه با معلمان فارغ‌التحصیل رشته آموزش ابتدایی از دانشگاه فرهنگیان دارای دیپلم تجربی و ریاضی، بیشتر است.

در تبیین این یافته‌ها در مورد بهبود کار باید گفت که استفاده از دانش و تجربه معلمان به عنوان سرمایه اصلی آموزش و پرورش جلوه‌ای از همدلی و همسویی در این سازمان است. در توجیه بالا بودن بهبود کار در معلمان فارغ‌التحصیل رشته انسانی می‌توان گفت بالطبع فردی که در رشته علوم انسانی تحصیل کرده نسبت به دانش‌آموزان رشته تجربی از آزمایشگری فعال، کمتر و از تعاملات و ارتباطات اجتماعی بالایی برخوردار است. دانش‌آموزان در رشته‌های متفاوت از لحاظ بهره‌برداری از هوش و سبک‌های یادگیری، علائق و محتوای آموزشی بسیار متفاوت هستند و با سبک و روشی متفاوت رشد می‌یابند که تفاوت در عملکرد آنان را به دنبال خواهد داشت.

با توجه به یافته‌های پژوهش، به مدیران مدارس توصیه می‌شود با حمایت معلمان و ارائه اختیارات بیشتر به آنها و در صورت لزوم با ارائه بازخوردها و راهنمایی‌های منطقی و صمیمانه به معلمان، زمینه‌های مشارکت بیشتر آنان در فعالیت‌های مدرسه را فراهم آورند و در نتیجه موجب ارتقاء عملکرد حرفه‌ای آنها شوند. پیشنهاد می‌شود مراکز آموزش تربیت معلم و دانشگاه فرهنگیان که متولی اصلی آموزش معلمان هستند، روش‌ها و سرفصل‌های آموزشی خود را در جهت پرورش همه‌ی عملکردهای معلمان تغییر دهند. همچنین پیشنهاد می‌شود سازمان‌های آموزشی ضمن اصلاح سیستم‌های جذب و گزینش، افرادی را به استخدام درآورند که به رعایت اصول علمی و داشتن صلاحیت‌ها پایبند بوده و در سلامت و اثربخشی سازمانی مؤثر باشند.

منابع و مآخذ

حیدری، پریش (۱۳۹۷). «بررسی رابطه رفتار شهروندی سازمانی و اخلاق حرفه‌ای با عملکرد حرفه‌ای معلمان ابتدایی شهرستان کازرون». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید باهنر کرمان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

رنوف، علی. (۱۳۸۹). «فلسفه حرفه‌آموزی به معلمان». *نشریه مدارس کارآمد*، ۹، ۴۴-۵۰.

صوفی‌نژاد، محترم‌د (۱۳۹۳). «مقایسه خلاقیت و هوش هیجانی در دانش‌آموزان دختر پایه دوم دبیرستان در رشته‌های علوم انسانی، علوم تجربی و ریاضی شهرستان سمنان». پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات شاهرود دانشکده علوم انسانی، گروه روان‌شناسی.

طبرسا، غلامعلی؛ مهدی حسونند منفرد و محسن عارف‌نژاد (۱۳۹۱). «تحلیل و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر بهبود کیفیت آموزشی (مطالعه موردی: دانشگاه اصفهان)». *مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی*، ۴(۴)، ۵۱-۵۳.

کیانی، حمید (۱۳۹۵). «بررسی مقایسه‌ای کیفیت آموزشی معلمان فارغ‌التحصیل از دانشگاه فرهنگیان و سایر معلمان آموزش و پرورش». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

نادری، عزت‌اله و محمد حاجی‌زاد (۱۳۸۹). «بررسی و مقایسه مهارت‌های حرفه‌ای معلمان دروس علوم پایه و علوم انسانی دوره راهنمایی شهرستان بهشهر به منظور ارائه روش‌های ارتقاء کیفی این مهارت‌ها». *تحقیقات مدیریت آموزشی*، ۲(۶)، ۷۵-۹۶.

Byars L, Rue L. (2000). *Human resource management*. New York: Irwin Mc- Graw-Hill.

Gilissen, M. G., Knippels, M. C. P., & van Joolingen, W. R. (2020). Bringing systems thinking into the classroom. *International Journal of Science Education*, 42 (8), 1253-1280.

- Hairon, S., & Dimmock, C. (2012). Singapore schools and professional learning communities: Teacher professional development and school leadership in an Asian hierarchical system. *Educational Review*, 64 (4), 405-424.
- Li, L., Hallinger, P., & Walker, A. (2016). Exploring the mediating effects of trust on principal leadership and teacher professional learning in Hong Kong primary schools. *Educational Management Administration & Leadership*, 44 (1), 20-42.
- Lipman, M. (2003). *Thinking in Education*. New York: Cambridge University Press.
- Triani, N., Suherman, U., & Nurihsan, J. (2020). COMPETENCY OF CLASS TEACHERS IN THE IMPLEMENTATION OF GUIDELINES DEMANDS IN EXTRAORDINARY ELEMENTARY SCHOOLS. *PrimaryEdu-Journal of Primary Education*, 4 (2), 114-123.
- Tripto, J., Assaraf, O. B. Z., & Amit, M. (2018). Recurring patterns in the development of high school biology students' system thinking over time. *Instructional Science*, 46 (5), 639-680.
- Yin, H., & Zheng, X. (2018). Facilitating professional learning communities in China: Do leadership practices and faculty trust matter? *Teaching and Teacher Education*, 76, 140-150.

The Investigation and Comparison of the Professional Performance of Elementary Education Teachers of Farhangian University with an Experimental and Mathematical Diploma with Humanities Diploma Holders

Seyedeh Soghra Muosavi¹, Fatemeh Kabiri², Solmaz Farajzadeh³

Abstract

The purpose of this study was to evaluate and compare the professional performance of teachers graduating from primary education in Farhangian University. The method of this research was a causal-comparative. The statistical population of this study included 615 teachers graduating in primary education from Farhangian University with experimental diplomas in mathematics and humanities in Shiraz in the academic year of 2020-2021. To determine the sample size, 236 people were selected using simple random sampling method based on Cochran's formula. After distributing the questionnaire, 120 questionnaires were returned, 20 of which were distorted, and finally, 200 valid questionnaires were collected in two groups (100 with experimental and mathematical diplomas and 100 with humanities diplomas). Data collection tool was Patterson (1990) Professional Performance Questionnaire. The collected data were analyzed at two levels (descriptive statistics and inferential statistics). At the statistical level, the mean and standard deviation were used, and at the inferential statistical level, the t-test of independent groups was used. The results showed that there is a significant difference between the professional performance of teachers graduating from primary education in Farhangian University with experimental and mathematics diplomas and those of humanities diplomas. There is a significant difference between all dimensions of professional performance (observance of discipline, sense of responsibility at work, cooperation at work and job improvement), graduates with humanities diplomas and graduates with experimental and mathematical diplomas. The average of all dimensions of professional performance of graduates with experimental and mathematical diplomas is lower than graduates with humanities diplomas.

Keywords: Professional Practice, Graduate Teachers, Primary Education, Farhangian University

-
1. Master student, Department of Business Management, Apadana Institute of Higher Education, Shiraz, Iran. Corresponding Author, s.musavi.2022@gmail.com
 2. Assistant Professor of Business Management, Apadana Higher Education Institute, Shiraz, Iran.
 3. Assistant Professor of Business Management, Apadana Higher Education Institute, Shiraz, Iran.